

بهیچوجه عیسای انجیل‌های چهارگانه نیست. واقعیت این است که اولین نویسندگان مسیحی، انجیل کتابت شده‌ای را در اختیار نداشتند و آنچه در باره زندگی عیسی نوشته شده به زمان متأخرتری از زمان نویسندگان این انجیلها برمیگردد... قصور نخستین نویسندگان در ذکر وقایع مشخصی از زندگی عیسی زمانی قطعیت مییابد که بپذیریم وقایع تاریخی به وسیله همین افراد طراحی شده و شکل گرفته و سپس وارد انجیل شده‌اند.

در اواسط قرن نوزدهم متفکر آلمانی داوید اشتراوس، از شاگردان مکتب هگل، که خودش کشیش و استاد الهیات بود، براساس روش تحلیل تاریخی و مذهبی هگل یعنی با ارزیابی علمی، طی کتاب قطوری در باره مقابله انجیل‌های چهارگانه و تضادهای آنها ارزش تاریخی این انجیلها را بکلی انکار کرد و چون از نظر عقلی جایی برای معجزات مسیحانی ننمیدید، کوشید تا مسیحیتی بدون اسطوره و بدون معجزه یعنی بدون عیسی ارائه دهد. هنگامیکه کتاب او در سال ۱۸۳۷ بنام نقدی بر زندگی عیسی منتشر شد، یکی از محققین سرشناس تاریخ مذاهب در اشاره بدان نوشت: کاش لااقل اشتراوس اثری چنین ویران کننده را به لاتینی نوشته بود تا مؤمنین عادی امکان خواندن آنرا نداشته باشند.

در باره اصالت یا عدم اصالت وجود عیسی، بررسی جالبی توسط پژوهشگر معاصر ایرانی جلال‌الدین آشتیانی در کتاب تحقیقی در دین مسیح صورت گرفته است که برای اطلاعات بیشتر میتوان بدان رجوع کرد.

* * *

قرآن، به خلاف تورات و انجیل، کتابی است که زمان تدوین آن مانند هویت تاریخی آورنده آن مشخص است، به اضافه اینکه نحوه برداشت مطالب آن نیز با دو کتاب آسمانی دیگر تفاوتی اصولی دارد، زیرا در آن از خداوند بصورت شخص سوم یاد نمیشود، بلکه خود خداوند است که بصورت شخص اول سخن میگوید. با اینهمه، در مورد اصالت متن کنونی قرآن نیز از همان آغاز در جامعه اسلامی تردیدها و اختلاف نظرهای بسیار وجود داشته است، چنانکه در دوران خود ما هم همین اختلاف نظرها و تردیدها در نزد اسلام شناسان وجود دارد.

قرآن در زمان وفات محمد مجموعه پراکنده‌ای از آیاتی بود که توسط عده‌ای از صحابه محمد ضبط یا توسط عده‌ای دیگر از آنها از بر شده بود، و

چون با درگذشت خود محمد و بدنبال آن با مرگ تدریجی این افراد بیم آن میرفت که متن کامل قرآن نیز از دست برود، بنا به توصیه عمر، کار گردآوری قرآن به زیدبن ثابت که در بازپسین سالهای زندگی محمد کاتب او بود محول شد، و وی مأموریت یافت تا قطعات قرآن را از مراجع مختلف جمع و آنها را با یکدیگر مقابله کند تا متن جامعی از قرآن از مجموع آنها تنظیم شود. متنی که زید گرد آورد بدون نقطه و اعراب بر صفحاتی نوشته شد و بدین جهت مصحف نام گرفت، ولی این نسخه اولیه قرآن جنبه رسمی نداشت و تنها به استفاده شخصی پیشوایان جامعه اسلامی اختصاص داده شده بود. بعداً توسط چند تن دیگر از صحابه محمد (که اسامیشان در فهرست ابن ندیم آمده است) آیات دیگری بدین مجموعه افزوده شد و ترتیب تقدم و تأخر آیات نیز تغییر یافت، و بدین ترتیب چندین متن مختلف از قرآن تدوین شد که بی شباهت به نحوه تدوین متون مختلف تورات نبود. وقتی که پس از مرگ عمر عثمان به خلافت رسید، وی تصمیم گرفت از مجموع این روایات یک متن رسمی قرآن تدوین شود که بعد از آن تنها قرآن شناخته شده و مورد قبول به حساب آید، و این بار نیز این وظیفه به زیدبن ثابت کاتب محمد محول شد، و عثمان از حفصه دختر عمر و زوجه محمد خواست که اوراق قرآنی را که ابوبکر بدو داده بود به هیئت چهار نفری زید و همراهانش تحویل دهد. بعد از تدوین قرآن رسمی این نسخه به حفصه مسترد شد، ولی تمام مدارک و نوشته‌های دیگر قرآن منهدم گردید. نسخه انحصاری حفصه نیز بعد از مرگ او در سال ۴۶ هجری به امر مروان اول خلیفه اموی ضبط و منهدم شد و بدین ترتیب تنها متنی از قرآن که باقی ماند متنی بود که به امر عثمان تهیه شده بود.

تقریباً همه محققانی که در این باره به بررسی پرداخته‌اند بر این عقیده‌اند که عثمان و نزدیکان وی یعنی بنی امیه از این تدوین و تحمیل متن واحدی از قرآن تنها نظر دینی نداشته بلکه بیشتر تابع منظورهای سیاسی بوده‌اند. ای.پ. پتروشفسکی که در کتاب اسلام در ایران خود همه این نظریات را مورد بررسی قرار داده، تأکید میکند که میتوان با اطمینان گفت در جمع‌آوری قرآن تغییراتی به سود هواداران بنی امیه در متن آن داده شده و زیدبن ثابت بخاطر رضایت عثمان و امویان آیات معینی را از متن قرآن حذف کرده است. عبدالله بن مسعود یکی از نزدیکان محمد و از حافظان سرشناس متن قرآن که خود متن دیگری از قرآن را تدوین کرده بود

آشکارا سوره های ۱۱۳ و ۱۱۴ قرآن را غیر اصیل میدانست، و خوارج نیز اصالت سوره یوسف را منکر بودند. لاقبل تا قرن چهارم هجری هنوز نسخه هائی از قرآن که توسط ابن ابی کعب و عبدالله بن مسعود تدوین شده بود در میان کسانی که قرآن تدوین شده عثمان را برسمیت نمیشناختند رواج داشت، ولی ضبط منظم این نسخه ها و انهدام آنها به امر خلفای وقت توسط حکام محلی، اندک اندک همه این نسخ را از میان برد و فقط روایت عثمان باقی ماند، بطوریکه حتی شیعیان و خوارج که بسیاری از جاهای این متن را تحریف شده میشمردند ناچار آنرا پذیرفتند.

اصالت برخی از آیه های قرآن در درجه اول از طرف نزدیکترین کسان خود محمد مورد تردید قرار گرفته است، مثلاً در احادیث چندین کتاب معتبر، از قول عایشه، همسر پیامبر، پس از نزول آیه های ۴۹ تا ۵۲ سوره احزاب که در آنها از جانب خداوند به پیغمبرش در مورد انتخاب زنان مورد نظرش برای همبستری و عدم الزام او به رعایت ضوابط جاری در این زمینه اختیار کامل داده شده است، نقل شده است که خطاب به همسرش گفته بود: "می بینم ارباب آسمانیت در پذیرفتن خواسته های قلبی تو خیلی شتاب دارد". کس دیگری که اصالت این آیه ها را مورد تردید قرار داده بود عبدالله بن ابی سرح از نزدیکترین صحابه پیامبر و کاتب مخصوص وحی های او بود که پس از مدتی اصالت این وحی ها و کیفیت نزول آیات قرآنی را انکار کرد، زیرا مدعی بود که چندین بار خود او در متن این آیات به تشخیص خود تغییراتی داده و پیمبر نیز این تغییرات را پذیرفته است، و حتی یکبار آیه "فتبارک الله احسن الخالقین" (مؤمنون، ۱۴) را که ساخته خود عبدالله بن سرح بوده در متن قرآن جای داده است. ابی سرح پس از طرح این اختلاف اسلام را ترک گفت و محمد نیز خونسش را حلال کرد و پس از مدتی به کشتنش فرمان داد. شرح این ماجرا به تفصیل در تاریخ طبری و تفسیر ابوالفتوح رازی و کامل ابن اثیر و تفسیر شریف لاهیجی آمده است. روایات متعدد دیگری نیز حاکی است که در چندین مورد عمر ابن خطاب نظراتی در باره مسائل مختلف به محمد اظهار داشته که بعداً در آیات قرآنی جای داده شده است.

از عجیب ترین مطالبی که در قرآن آمده، این آیه سوره توبه است که: "خداوند جان و مال مؤمنان را به بهای بهشت خریداری کرده است که